

فصل اول در بیان مذهب و عقاید
فصل دوم در بیان اخلاق و عادات
فصل سوم در بیان طب و جراحی
فصل چهارم در بیان فقه و حقوق
فصل پنجم در بیان تاریخ و جغرافیه
فصل ششم در بیان فلسفه و منطق
فصل هفتم در بیان شعر و ادب
فصل هشتم در بیان نجوم و ریاضیات
فصل نهم در بیان صنایع و معادن
فصل دهم در بیان سیاست و حکومت

نقد و نظر

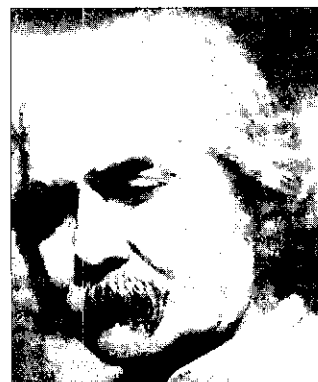
آریهان من و مستمندان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آنچه در پی می‌آید گزیده‌ای است از نقد و نظر محققان و منتقدان شناخته‌شده درباره شخصیت و شعر پروین اعتصامی، که از منابع گونه‌گون گردآورده‌ایم. در گزینش آراء و نظرات، افزون بر ارزش ادبی - انتقادی آنها، به جایگاه صاحبان آرا نیز نظر داشته‌ایم. اختصار بعضی مطالب نیز منبعت از بایستگی احتراز از اطاله و تکرار بوده است و بس.

مهدی اخوان ثالث:

از جمله دلایل عزیز و ارجمند بودن پروین اعتصامی - مثلاً - همین است که این آزاده زن بزرگوار با آن همه شعر و سخن که دارد (حالا در چه شیوه‌ای است و سخنانش تا چه حد شعر است، تا کجا زاده طبع و قریحه خود اوست و کجاها اقتباس و پیروی در کار است، با سنن پیشینیان چه کرده است و ملاحظاتی از این قبیل همه اموری ست بیرون از بحث ما) در دیوانی با پنج هزار بیت فقط یک یا دو جاست که از خودش حرف زده و «من شخصی و خصوصی» او از پس پشت شعرش خود می‌نماید و جلوه می‌کند.



کتابت و تصحیح
اوساات و فلسفه
پهمن و اسفند ۱۳۸۵
فروردین ۱۳۸۶
۷۲



تازه در آن یک دو جا هم امری روحی و بشری و از جمله عمومیات عواطف آدمی در میان بوده، عواطف مشترک همگان، مثلاً مرثیه‌ای برای پدرش گفته، یا لوحی برای مزارش یا در تقدیم‌نامه‌ای منظوم وداع روح و مواجید قریحه خود را به دست زمانه سپرده است. طبعاً در این طور موارد جنبه همگانی و انسانی امر در حد خود محفوظ است یعنی شعر، حکایت از احوالی دارد که آنقدرها هم شخصی و خصوصی نیست.

۱. یکی از نظرگیرترین ویژگی‌های اشعار دیوان او این است که

(از این اوستا، ص ۱۱۳ و ۱۱۴)

محمد اسحاق (ایران‌شناس هندی):

بعضی از ویژگی‌های چشمگیر اشعار او پروین عبارت است

از:

۱. یکی از نظرگیرترین ویژگی‌های اشعار دیوان او این است که

۲. جای شگفتی است که پروین قلمش را در راه اصلاح و بهبود و یا ارتقای وضع همجنسان خود (زنان) بکار نینداخته است. این مسأله فقط در زمانی رخ داده که طبق فرمان شاه در سال ۱۳۱۴/۱۹۳۶ کشف حجاب اجباری صورت پذیرفته و پروین هم احساس محدود خود را در این زمینه در شعر گنج عفت ابراز داشته است.

۳. قالب مناظره از قوالبی است که مورد علاقه او بود. با اینکه باید پذیرفت که او در بعضی از این اشعار مناظره‌ای موفق است ولی بقیه اشعار مناظره‌ای او کسل‌کننده و خستگی‌زاست. زیبایی این

نوع شعر در موشکافی و پاسخهای سنجیده نهفته و در آن نمی‌توان به سرایش مضامین دلچسب شعری پرداخت.

۴. او در اشعار تعلیمی خود مردم را به محبت و نودوستی و پاک قلبی فرامی‌خواند چرا که این خوبی است که همیشه پایاست. او این درس‌های اخلاقی و سایر درس‌ها را در اشعار مؤثر و دل‌انگیز خود با بهره‌گیری از افسانه‌ها که با آزادی کامل در تار و پود اشعارش تنیده، بیان داشته است.

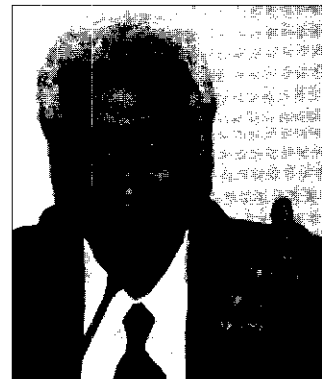
درخصوص قوافی اشعار او، علاوه بر سودگیری از قوافی معمولی کهن شعر فارسی، دیوان او حاوی اشعاری است که قافیه؛ $ab, ab, ab, \dots, k; cd, cd, cd, \dots, k; ef, ef, ef, \dots, k$ و غیره را دارد. این نوع اشعار که دارای مصراع‌های برگردانی ثابتی هست از نظر ماهیت شعری جزو قالب قطعه به حساب می‌آید. در این نوع اشعار هر قطعه مرکب از نه یا یازده مصراع است که هشت یا ده مصراع نخستین دارای قافیه‌های متناوب هستند و مصراع نهم یا یازدهم نوعی برگردان را تشکیل می‌دهد. این قوافی متناوب احتمالاً از الگوی قافیه‌ای چهاربیتی کهن گلستان سعدی مایه گرفته است.

پروین از حیث گزینش موضوعات و نیز بررسی و پرداخت آنها، جزو شاعران نوگرای فارسی بشمار می‌رود. او مضامین و عناوین نوین را با زبان بسیار ساده و گیرا به سلک شعر کشیده است. اشعار او حاوی تأثیر تعلیم و تربیت غربی او است. از ویژگی‌های شعر او، سلاست طبیعی، بیان زیبا و دلپسند، و سبک موشکافانه است. گو اینکه اشعار او با افسانه‌ها آمیخته شده ولی در بنیاد و تاروپود این اشعار نوعی لحن جدی و گویا نهفته است.

(ادبیات نوین ایران، ص ۱۸۰-۱۸۱)

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن:

پروین اعتصامی که گل‌های شعر دوران جدید است، چه به اقتضای روح لطیف و خواهرانه‌ای که داشته، و چه به اقتضای زمان، به سیاست و مسایل جاری نپرداخته. قلمرو شعری او به



مکان و زمان و حوادث خاص محدود نیست. وی، رنج و غم مردم بی‌پناه و محروم را می‌سراید؛ به طور عام، در هر روزگار و در هر کجا که باشند. پروین بی‌تردید از فکر اروپایی خاصه شعرهایی که پدرش اعتصام‌الملک از گویندگان فرانسوی ترجمه می‌کرده متأثر بوده؛ اما این تأثیر به هیچ‌وجه از ارزش ابداعی و تازگی شعر او نکاسته. پروین از حیث پاکیزگی و پیراستگی لفظ، و چه از نظر لحن بشردوستانه و حالت همدلی و همدردی که در شعرهای اوست، مقام ممتازی در ادبیات ایران دارد و بی‌شک، بزرگ‌ترین زنی است که تاکنون در زبان فارسی به سرودن پرداخته.

(یادنامه پروین اعتصامی، ص ۴۹ - ۵۰)

دکتر رضا براهنی:

پروین، ناظم «فابل»های منظوم است، یک «لافوتن» مؤنث دیر کرده. یک ناصرخسروی مؤنث بدون آن دینامیسم



خرد برتر ناصرخسرو، دنبال عدالتی است در داخل سیستمی که تیشه بر ریشه عدالت می‌زند. زنی مطیع و فرمانبردار و عفیف و پاک و صمیمی است، ولی در عین حال سخت در بند دوگانگی خیر و شر، قوی و ضعیف، غنی و فقیر و پادشاه و گدا است. انقلابی نیست، غریزی هرگز نمی‌تواند باشد. عشق، دنیای روشن و صاف و پاک عاشقان، برای او مفهومی ندارد. جهانش، حتی در تیرگی هم، از دینامیسم برخوردار نیست. گفت‌وگو تدبیر اساسی اوست، تمثیل اساس کار او، ولی هدف مضمون پندآمیز، دست و پایش را سخت بسته است. از اشراق عارفانه، شاعرانه و عاشقانه خبری نیست. تخیلش از طریق زبان اشیاء و حیوانات کار می‌کند. ولی هرگز به درهم ریختن یادهای مختلف حافظه و از میان برداشتن دیوارهای زمانی و مکانی یادها، توجهی ندارد. شعرش، هیجان‌انگیز، پرشور و حال، اعجاب‌انگیز و تکان‌دهنده نیست.

(طال در مس، ج ۱، ص ۲۵۲ - ۲۵۳)

سیمین بهبهانی:

... اخلاق برای پروین مقدم بر هر امر دیگر است. او پیش از آن که یک عارف یا یک زاهد یا حتی یک زن - یعنی خودش - باشد، یک معلم اخلاق یا، به قول فرنگیها، «مورالیست» است: همه چیز در شعر او یا معیار اخلاق سنجیده می‌شود. اگر مطابق با آن بود، ارزشمند است؛ در غیر این صورت، مردود. در دیوان پروین، حتی عشق زن و مرد و یاد از آن - هرچند در نهایت عفت و هرچند به دور از آلودگی - از محرمات است. در تنها غزل این دفتر با مطلع:

بی‌روی دوست‌دوش‌شب‌ماسح‌رنداشت

سوز و گداز شمع و من و دل اثر نداشت...

انگار که صحبت از دوست نابجا بوده است و چنین است که در

ادبیات پایانی ناگهان و نامنتظر می‌خوانیم که:



نمی‌بینیم، و این آرزو حتی برای پرنده و چرنده این دفتر هم مفهومی ندارد. مرغان دفتر پروین مادر هستند، ولی این مادران هیچ گاه معشوق نبوده‌اند. پروین به «مرغک رام گشته در دام» همه گونه راه و رسم زندگی موافق با اخلاق را می - آموزد، اما کوچکترین اشارتی به عاشق شدن یا جفت گرفتن یا چیزی از این قبیل ندارد.

احساس و عاطفه در شعر پروین سخت قوی است و خواننده را در بعضی موارد به شدت متقلب می‌کند. بسیاری از مقطعات و مثنویهای او سخنانی از دل برخاسته‌اند که لاجرم بر دل می‌نشینند. گذشته از دو قطعه شعر که یکی را برای سنگ مزار خود و دیگری را در رثای پدر سروده است - و باید هم تأثرانگیز باشند - «آشیان ویران»، «اشک یتیم»، «اندوه فقر»، «ای گربه»، «ای مرغک»، «بام شکسته»، «بی - پدر»، «تهیدست»، «تیره‌بخت»، «دیوانه و زنجیر»، «قلب مجروح»، «طفل یتیم»، «لطف حق»، «نعمه خوشه‌چین» و بسیاری دیگر از اشعار این دیوان از نوعی رمانتیسم برخاسته از واقعیت مایه دارند و عواطف انسانی را سخت برمی‌انگیزند.

اندیشه‌های عرفانی، پس از اخلاق، در آثار پروین، اهمیت خاصی دارند. «تسلیم و رضا» برای او از اصول مسلم و تردیدناپذیر است:

کشتی بحر قضا تسلیم است

اندرین بحر نه کشتی نه کروس.

یا:

تو خوشی بینی و ما پژمردگی

هرکجا نقشی مجسم کرده‌اند.

یا:

ما به خود چیزی نکردیم اختیار؛

کارفرمایان عالم کرده‌اند.

کرده‌اند ار پرسشی در کار ما،

خلقت و تقدیر با هم کرده‌اند.

یا:

اندر آنجا که تیرزن گیتی‌ست

ای خوش آن کس که تا رسید افتاد.

من و تو بنده‌ایم و خواجه یکی‌ست

تو و ما را هر آنچه داد او داد.

یا:

درین دو روزه هستی، همین فضیلت ماست

که جور می‌کند ایام و ما شکیباییم.

ز سرد و گرم تنور قضا نمی‌ترسیم

برای سوختن و ساختن مهباییم

بشنو زمن که ناخلف افتاد آن پسر

کز جهل و عجب گوش به پند پدر نداشت.

خرمن نکرده توده کسی موسم درو

در مزرعی که وقت عمل برزگر نداشت.

یا در غزلواره‌ای به نام «آرزوها» با مطلع:

ای خوشا مستانه سر در پای دلبر داشتن

دل تهی از خوب و زشت چرخ اخضر داشتن

به ایباتی از این قبیل برمی‌خوریم:

در گلستان هنر چون نخل بودن بارور

عار از ناچیزی سرو و صنوبر داشتن.

اگر در این دفتر، غیرمستقیم هم سخن از عشق به میان

آید، عشقی الاهی و دور از لذت‌های جسمانی است. به همین

سبب، در هیچ کجای آن پروین را به صورت زنی که، دست

کم‌گهگاه، آرزوی مصاحبت مردی را در دل پرورانده باشد



چنان که می‌بینید، رضای پروین در این اشعار از سر جبر است؛ یعنی تن دادن به قضااست، نه آن رضای عارفانه که حلاج را «دست‌اندازان و عیاروار» به پای دار می‌برد. با این همه، در مثنوی «لطف حق»، این رضا نضج می‌گیرد و به عمق معانی عرفانی نزدیک می‌شود:

... پرده شک را برانداز از میان

تا ببینی سود کردی یا زیان

ما گرفتیم آنچه را انداختی

دست حق را دیدی و نشاختی

در تو تنها عشق و مهر مادری است

شیوه ما عدل و بنده‌پروری است

نیست بازی کار حق، خود را میاز

آنچه بُردیم از تو باز آریم، باز.

در مثنوی «جولای خدا»، پروین به مرحله «طلب» گوشه

چشمی دارد و تلاش را برای رسیدن به مقصود لازم می‌داند:

... گر سحر ویران کنند این سقف و بام،

خانه دیگر بسازم وقت شام.

گر ز یک کُنجم براند روزگار،

گوشه دیگر نمایم اختیار.

ما که عمری پرده‌داری کرده‌ایم

در حوادث استواری کرده‌ایم...

سعی کردیم آنچه فرصت یافتیم:

بافتیم و بافتیم و بافتیم...

جوانی پروین و اقتضای زمانه، طبعاً به او اجازه نمی‌داده است

که به راستی یک عارف خودباخته باشد. از این‌روست که با عرفان

تماس گاهگاهی و در سطح دارد و مفاهیم او ژرفای اندیشه‌های

عارفان پیشین را ندارد، اما کلامش - چنان که پیش‌تر هم اشاره

کردم - پا به پای بزرگان شعر قدیم ایران به پیش آمده است. بر روی

هم این شاعر حتی مفاهیم عرفانی را نیز از صافی اخلاق می‌گذراند

و دست آخر کار را به تعلیم می‌کشانند:

... برویم از میان و دم نزنیم

بخروشیم، لیک بی‌آواز.

گرچه در زحمتیم، باز خوشیم

که به ما نیز خلق راست نیاز.

دهر بر کار کس نپردازد

هم تو با کار خویشتن پرداز...

(از قطعه «فلسفه»)

(گزینۀ اشعار پروین اعتصامی، ص ۱۰۰-۱۰۵)

علی‌اکبر دهخدا:

... پروین اعتصامی در سلاست و منانت شعر هم‌رتبه استادان قدیم نظم و در میان زنان ایران به شهادت تاریخ، یگانه و فرید و گوهر رخشنده اکلیل مفخر عصر حاضر است.

(مجله بهار، مجلد ۱، چ ۲، ص ب - و. برگرفته از دیوان

پروین اعتصامی، ص ۴۶)

یدالله رویایی (در گفت‌وگو با مسعود بهنود):

از یاد نبریم پروین اعتصامی را که شروع‌کننده بود که شاید

بخود او ختم شد.

بله، پروین... او با رقت زنانه‌اش شعرهای خوبی گفته و...

در مورد ایرج میرزا اتفاق نظر داشتیم، ولی در مورد پروین

من معتقدم برخلاف آنچه شما گفتید چیزی که اصلاً در او وجود

ندارد رقت زنانه است. او اصلاً در شعرهایش زن نیست، آنطور

که فروغ بود. وقتی درباره رقت زنانه در شعر صحبت می‌شود آدم

بی‌اختیار یاد فروغ می‌افتد. خوب، این اصلاً در پروین نبود و بلکه

آنچه در او بارز است «ایماژ» سازی است که در این زمینه تبخیری

خاص دارد.

نه، مثلاً وقتی می‌گوید:

کودکی کوزه‌ای شکست و گریست

که مرا پای خانه رفتن نیست

این احساس خیلی زنانه است یا وقتی از سوزن نخ کردن حرف

می‌زند... اینها مصالحتی است که در دست یک زن می‌تواند باشد

و بس.

خوب، این طبیعی است، چون زن بوده. ولی رقت زنانه چیز

دیگری است.

آره، آره، رقت زنانه اتفاقاً در طرز نزدیک شدن پروین به

واقعیات زندگی و طبیعت دور و برش هم وجود دارد که بکلی پیدا

است که یک مرد اینگونه به اشیاء نزدیک نمی‌شود ولی در این

مورد حرفتان را قبول دارم که در او غریزه زنانگی بوده منتهی آن

غریزه و به عبارتی جنسیت زنانه البته در شعرش ارائه نشده به‌علت

اینکه زمان پروین زمان ما نبود.

شاید او نمی‌توانسته زبانش را رو کند. ناچار متوسل به ایمازسازی شده و رفته توی قلمرو پند و اندرز و آنها را هم خیلی خوب بیان کرده.

(از سکوی سرخ (مسائل شعر)، ص ۲۰۱-۲۰۲)

دکتر عبدالحسین زرین کوب:

مضمون قصاید پروین که قسمت عمده آنها در سبک ناصر خسرو و سنایی است دقایق اخلاقی و تربیتی است و شیوه بیان وی در اینجا از آن گونه است که نزد شاعران قدیم - از خاقانی و ظهیر تا کمال اسمعیل و سعدی - سابقه دارد و خاقانی در قطعه معروف خویش در باب عنصری، از آن به شیوه «تحقیق» تعبیر می‌کند که در عین حال نزد خود او مفهوم زهد و وعظ را هم



متضمن است. مع هذا مضمون وعظ و تحقیق پروین هر چند شامل تحذیر از تعلقات دنیوی هست متضمن الزام ترک دنیا و التزام فقر و مجرد صوفیانه نیست. از این رو سعی در ایجاد دنیایی بهتر و اهتمام در رفع ظلم و بیدادی را که در جامعه عصری هست بر مخاطب الزام می‌کند و پیاداست که نیل به کمال مرتبه انسانی را بدون رهایی از بی‌عدالتی‌های اجتماعی ممکن نمی‌داند و برای رفع این بی‌عدالتی‌ها هم ترک دنیا و تحقیر متاع دنیوی را توصیه نمی‌کند. در عین آنکه حصر توجه به متاع دنیوی را شایسته مقام انسانی نمی‌داند سعی و عمل را هم برای اجتناب از حیات کاهلانه و بی‌ثمر الزام می‌کند. آشکارست که این طرز تلقی هم انعکاسی از آرزوهای بر باد رفته جامعه عصر جوانی خود اوست که نتوانست بین سعی و عمل با تربیت و اخلاق انسانی پیوند و تعادل به وجود آورد.

همدردی صمیمانه با طبقات محروم جامعه، پروین را مورد علاقه کسانی که از زبان این طبقات سخن می‌گویند، و به هر عنوان که هست حق پایمال گشته آنها را مطالبه می‌کنند، می‌دارد. شاید همین نکته سبب شد که در سال‌های بلافاصله بعد از شهریور بیست اشعار پروین که گاه مورد تحسین فوق‌العاده بعضی منتقدان و نویسندگان نسل جوان واقع شد و مبالغه‌ای که در اهمیت این جنبه

از اندیشه و هنر او رفت جهات دیگر شخصیت و تعلیم او را که الزام دین و اخلاق و تقوی و عمل بود، ظاهراً تا حدی تحت الشعاع قرار داد. بدون شک این همدردی که او را با تجربه محنت «مرد رنجبر»، «کودک یتیم»، و «برزگر فقیر»، آشنا نشان می‌دهد حاکی از عمق احساس انسانی و اخلاقی اوست اما توجه به آلام فقرا در نزد وی بدان معنی نیست که ریشه فقر آنها را گه گاه در اجتناب آنها از سعی و عمل نشان ندهد و نیل به استقرار عدالت اجتماعی را به جهد و کوشش موقوف ننماید. با آنکه در خطاب «ای رنجبر» (شماره ۱۶) وی را به مطالبه حق خود تشویق می‌کند و حتی در این کار از اعمال خشونت هم وی را منع نمی‌کند نظم و عدالت اجتماعی که پروین جستجو می‌کند در مجرد این معنی تحقق پیدا نمی‌کند آنچه مطلوب اوست و به اعتقاد او استقرار عدالت و غلبه خیر و محبت را در عالم ممکن می‌سازد تربیت اخلاقی است که بین ایمان و عمل تعادل به وجود می‌آورد و زندگی انسانی را از حد ارضاء شهوت‌های جسمانی و نیازهای مادی برتر نشان می‌دهد و آنچه را مربوط به خور و خواب و خشم و شهوت وابسته به زندگی عادی بهیمی انسان‌های عادی است در خور دلبستگی و مایه خرسندی نمی‌داند.

پروین قبل از هر چیز شاعر تربیت و شاعر اخلاق است اما تربیت و اخلاق او مبتنی بر اندیشه عرفانی است. عرفان او هم غیر از تصوف اسلامی از سرچشمه تعلیم افلاطون و مکتب‌های گنوسی و نوافلاطونی آب می‌خورد و به همین سبب به مسأله روح و نجات اهمیت خاص می‌دهد. روح در نزد او در عالم تن و در حصن بی‌امان دنیای جسم مستجون و محبوس است، از صحبت تن که بدان محکوم است دایم فرو می‌کاهد و رنج می‌برد (قصاید، شماره ۶۳) و کمال آن را در رهایی از تمام تعلقات دست و پاگیری است که او در عالم تن زندانی می‌دارد (دیوان، شماره ۱۱۴). از این روست که بدون رهایی از حرص و آز، و از جمیع صفات بهیمی نیل به کمال برایش ممکن نیست و شک نیست که این فاصله‌گیری از حیات حیوانی اشتغال به ریاضت و ترک سعی و عمل را هم مثل آنچه در تعلیم بعضی از صوفیه جلوه دارد الزام نمی‌کند. اینجاست که تعلیم اخلاقی پروین بر مبنای عرفان مبتنی می‌شود و در عین حال با سعی و عمل هم پیوند استوار می‌یابد. عرفان پروین با همان تمثیل‌ها و تصویرهایی که نزد امثال سنایی و عطار و سعدی و مولانا جلال‌الدین هست به بیان می‌آید و در پارهای موارد تحت تأثیر آنهاست. چنانکه منظومه «پایمال آز» (شماره ۷۵)، «جولای خدا» (شماره ۹۰) و «لطف حق» (شماره ۱۸۲) او از لحن و فکر مولانا، و منظومه «جامه عرفان» (شماره ۷۸)، «صید پریشان» (شماره ۱۳۷) و «کعبه دل» (شماره ۱۵۷) او از سوز و حال عطار نشان دارد و با این همه در تمام این گونه تمثیلات و مناظرات که

این دوره [دوره مشروطیت] و یکی از مؤثرترین آنها است. شعر پروین تلفیقی از «خرد و بند» کهن همراه با نوعی دلسوزی و واکنش در مقابل مسائل دوروبر خود است که در جای خود یادآور آثار نویسندگان قدیم می‌باشد و اغلب پوششی از رمانتیسم در خود دارد که تأثیر ادبیات غرب نیز در آن به چشم می‌خورد. توجه به زندگی محرومان و طبقه کارگر که در شعر او دیده می‌شود، باعث



برتری آثارش نسبت به آثار معاصرینش شده است. وی ژانر «مناظره» را در شعر فارسی با سبک بسیار زیبایی زنده کرده است؛ این نوع شعر برای بیان موضوع شاعر به کار گرفته شده است. پروین متعلق به دوره کودتاست ولیکن او را می‌توان جزو شعرای اواخر نهضت مشروطیت به حساب آورد.

(ادبیات نوین ایران، ص ۳۴۲ - ۳۴۳)

سید محمدحسین شهریار:

به یاد شاعره ناکام پروین اعتصامی

سپهر سخن راست پروین ستاره

جهانی سوی این ستاره نظاره

سرایندگان، سینمای ادب را

هنرپیشگانند و پروین ستاره

به ابر کفن تا نهمان شد، عیان شد

که دل‌ها ربوده است این ماهپاره



طرز بیان سعدی و سنایی و نظامی و انوری و ابن‌یمین هم در آنها گه‌گاه هست، چیزی از روح عصر، از عرفان مبنی بر سعی و عمل و از کمال مطلوب انسانی در مفهوم جامع و عصری آن جلوه دارد و این جمله استقلال فکر و در عین حال اصالت هنر پروین را به نحو انکارناپذیری برجسته می‌سازد. قطعه‌ای که پروین برای سنگ مزار خود سروده است (شماره ۲۰۹) غلبه فکر مرگ و اندیشه تزلزل حیات انسانی را در روح او نشان می‌دهد. این فکر تزلزل و فنا، که کلام او را با آنچه در بعضی سخنان ناصر خسرو و سعدی هم هست تا حد زیادی نزدیک می‌دارد، بیشتر بر اندیشه عرفان و نجات روح مبتنی است. مثل آنچه این فکر در نزد امثال خیام و ابوالعلاء المعری بدان منتهی می‌شود منجر به اندیشه اعتنام فرصت عیش و الزام حیات اپیکوری نیست. مع هذا احساس مرگ و فنا در نزد وی ریشه قوی دارد، و مثل بیداری یک غریزه ترس از مجهول به نظر می‌آید. وقتی در طی این قطعه با رهگذر بی‌خیال در طی خطاب عارفانه خویش می‌گوید:

هر که باشی و زهر جا برسی

آخرین منزل هستی این است

لحن عبرت‌آمیز و آکنده از درد و حسرت کوروش باستانی به خاطر می‌آید که با همین احساس عمیق انسانی، آنگونه که اسکندر بر لوح مزار وی خواند، چنانکه از روایت پلوتارک (اسکندر / ۹۰) برمی‌آید بر سنگ گور خود به عابر مغرور اندرز داده بود که:

ای مرد، هر که باشی و از هر کجا که بیایی

- زیرا می‌دانم که خواهی آمد -

بر این پاره خاک که پیکر مرا دربر گرفته است رشک مبر درباره شیوه شاعری و قالب‌های فکری و بیانی پروین این اندازه می‌توان گفت که نشان اصالت در آنها همه جا پیداست و ضرورت حفظ میراث قدما در عصر حیات او، هنوز در محیط ادبی و فکری عصر پیش از آن غلبه داشت که فکر عصیان بر ضد آنها را، خاصه در محیط تربیتی شاعر، در ذهن او راه نتواند داد. با این همه تنوع قالب‌ها، مضمون‌های مأخوذ از حیات هر روزینه، و شیوه مناظره‌پردازی بین اشیاء بی‌جان که مختصات عمده شعر او را رنگ تازه‌ای می‌دهد دنیای اندیشه او را پر از شور و احساس شاعرانه نشان می‌دهد و این همه در کلام او از جوش فکر و از تازگی و اصالت راستین حاکی است. اینکه علامه قزوینی در تقریظ مختصری که بر دیوان پروین می‌نویسد وی را «خنساء عصر و رابعه دهر» می‌خواند (مجله مهر، سال سوم ۱۳۴۱/۹۰۰) به هیچ وجه متضمن نفی اصالت و تازگی کلام او نیست.

(دفتر ایام، ص ۵۳ - ۶۲)

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی:

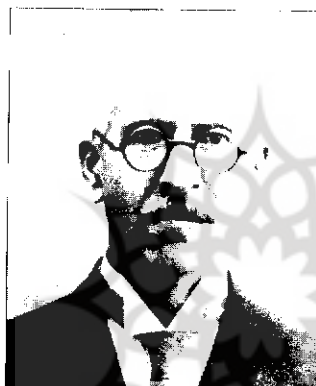
پروین اعتصامی... یکی از مستقل‌ترین شعرای دهه‌های اخیر

عروسی است در حجله طبع پروین
که از ماه و پروین کند طوق و یاره
همایون عروسی که نوزادآور است
فلک دایه و کهکشان گاهواره
بلند آسمانی است دیوان پروین

(یادنامه پروین اعتصامی، ص ۲۷۴-۲۷۵، برگرفته از
دیوان پروین اعتصامی، ص ۵۰)

محمد قزوینی (از نامه‌ای به اعتصام‌الملک):

موضوع تعجب، جنبه لفظی و فنی اشعار خانم پروین اعتصامی است که عبارت باشد از نهایت حسن انتخاب الفاظ و کلمات و جمل و تعبیرات و اصطلاحات و صوغ کلام در قالب معهود متداول بین فحول اساتید قدما و بهمان طرز و اسلوب معمول بین ایشان؛ که این فقرات چنانکه همه کس می‌داند موهبتی و فطری نیست، بلکه



فقط و فقط اکتسابی است لاغیر؛ و نتیجه سالها تحصیل و درس و بحث و اعمال و ممارست و معاشرت با فضلا و علما و ادبا و ارباب فن است. باری شکی نیست، که درخصوص جنبه صنعتی و فنی شعر، یعنی جنبه فصاحت لفظی آن، این خنساء عصر و رابعه دهر مدیون توجه و عنایت شماست.

به راستی، جای بسی تحسین و تمجید است که خانم جوانی از خانمهای ایران با اوضاع و کیفیات حاضره، بساختن اشعاری بدین پایه از استحکام الفاظ و صحت آن نحواً و صرفاً و لغه و املاء و فصاحت عظیم النظیر و خلو آن از جمیع عیوب فنی، موفق شده است.

و در خاتمه عرض می‌کنم که چون دیدم آقای لطفعلی صورتگر در نمره ۷ از سال سوم مجله مهر شرحی درخصوص دیوان حاضر نوشته بودند، دیگر اینجانب به ملاحظه اینکه شاید قدری دیر شده باشد جرئت نکردم این مکتوب را به مجله مزبور بفرستم. ولی خود سرکار عالی به حکم «الشاهد یری ما لایری الغائب» اگر دیدید که چندان دیر نشده و خارج از موضوع نخواهد بود، و کیلید این مکتوب یا قسمتی از آنرا به هر طور که مصلحت بدانید در مجله مذکور یا هر مجله دیگر بطبع برسانید، از طرف بنده مانعی نیست.

بلند اخترانش برون از شماره
دو صد رشته گوهر که هر یک چو پروین
به گوش سپهری سزد گوشواره
سزد چون بلند آیتی آسمانی
بدان سو کنند اهل تفسیر اشاره
چو داغ پدر آتشش زد به خرمن
خود از آتش آمد برون چون شراره
چه بد دیدی از بلبلان هم‌آواز
که از طرف گلزار کردی کناره
به آثار خود عمر جاوید دادی
بهر درد و داغی توان چاره جستن
دریغا به داغ اجل نیست چاره
بهل شهریار آتش شوق پروین
که اینجا دلی باید از سنگ خاره
(دیوان شهریار، ج ۱، ص ۷۲۲)

دکتر لطفعلی صورتگر:

پروین اعتصامی دختر جوان مرگ یوسف اعتصامی مدیر مجله ادبی بهار یکی از آن دو شمع فروزان محفل ادب بود که دوران خردسالی و جوانی را به فراگرفتن فنون ادبی گذرانید و با هوش سرشار و قریحه خدادادی و توانای خود از خرمن ادبیات اروپایی مایه و توشه بسیار برگرفت و در اثر تمرین و مطالعه دامنه‌دار در ادبیات فارسی برای بیان نیات و پندارهای شاعرانه خود دیوانی پرداخت که در آن اشعار صلب و سخته که کلمات ناصرخسرو قبادیانی را به خاطر می‌آورد و افکار عمیق و پخته آن دانشمند و مربی اخلاقی را به یاد می‌آورد، بسیار است.

ذوق پروین به مطالعه آثار رمانتیک اروپایی مخصوصاً گویندگان فرانسوی و انگلیسی می‌گرایید و چون پرچمداران این سبک از پدیده‌ها و نمودارهای جهان حیات به احساسات و افکاری که مشاهده آن پدیده‌ها در ذهن آنها بیدار می‌کرد توجه داشتند و افکار گوناگونی که مغز آدمی را به خود مشغول می‌دارد احیاناً پیچیده و نامرتب و تنظیم نیافته و گاهی مبهم است، در شعر نیز به ابهام علاقه داشتند و دوری و تیرگی و غم و نامرادی را که با آن تیرگی سازگاری دارد اساس سخن‌سرایی می‌دانستند و آن حالات

گزینه اشعار پروین اعتصامی، ص ۳۸ - ۳۹.

ورا کو بیچکوکوا (ایران شناس چک):

بدون شک اشعار نخستین او به کمک و راهنمایی پدرش سروده شده‌اند که در جلد دوم نشریه بهار اعتصام‌الملک بچاپ رسیدند.

نمونه‌هایی از آثار او در گلچین‌های جدید نیز دیده می‌شود. دیوان پروین در سال ۱۳۴۴ شمسی در تهران طبع شد و به وضوح نشان داد که شاعره کاملاً از جدلهای نظری زمانش و از قوالب مورد بحث بدور است. او اشعار خود را بر طبق قواعد کهن شعر - هر چند به زبان ساده - به سلک شعر کشید و آگاهانه از «هنر کهن» تقلید کرد. او بسان نویسندگان کلاسیک از مضامین فلسفی و اخلاقی همراه با اشاراتی بر وقایع معاصر سود جست. معذک متأسفانه وی حتی در اشعار اجتماعی‌اش هم از مسائل زودگذر واقعاً سطحی تغذیه کرد. موضوع اشعار خود را از میان زندگی پاره‌ها و فقرا و طبقات پایین انتخاب می‌کرد و نسبت به فقر و بدبختی آنها احساس دلسوزی می‌نمود. مع‌هذا سعی نکرد که درمانی برای این دردها پیدا کند و یا عمیقانه در مسائل اجتماعی فرو رود ولیکن در نوعی مالیخولیای احساساتی و ساختگی غرق شد.

مع‌الوصف تازگی مضامین اشعار پروین غیرقابل بحث است و توان گفت که اگر عمر وی زیاد می‌یابید می‌توانست در کار خود از آنچه که در زمان فوت وی در سی سالگی در سال ۱۳۲۰ شمسی در دور و بر او می‌گذشت احساس و فلسفه عمیقی بدست آورد.

(ادبیات نوین ایران، ص ۵۷ - ۵۸)

دکتر پرویز ناتل خانلری:

پروین اعتصامی را می‌توان بزرگترین سخنوری دانست که از جنس زن در تاریخ ادبیات ایران ظهور کرده است. این بانوی هنرمند اگر چه شیوه خاصی دارد در اسلوب بیان از همان سبک فوق پیروی می‌کرد. قصاید او که به استقبال فصحای قرون چهارم و پنجم سروده شده هیچگونه تجدد و تنوعی را



کتابخانه
ادبیات و فلسفه
پهن و سفید ۱۳۸۵
و فروردین ۱۳۸۶
۸۰

از لحاظ معانی و بیان نشان نمی‌دهد. اما قطعاتی که موضوع آنها انتقاد وضع اجتماعی و اظهار محبت به طبقات ستمکش و محروم اجتماع است در ادبیات معاصر ایشان دارای شیوه‌ای خاص است که منحصر به اوست. پروین در این قطعات اسلوب مناظره را برای مقصود اختیار کرده است. این مناظره اغلب میان اشیاء و امور مختلف مانند نخ و سوزن، نهال و درخت خشک، کودک و مادر، پیر و جوان، صبح و شام، جوی و دریا واقع می‌شود و همیشه شاعر از این گفت‌وگوها نتیجه اجتماعی می‌گیرد.

(هفتاد سخن، جلد سوم، ص ۲۷۳ -

برگرفته از دیوان پروین اعتصامی، ص ۱۵)

نادر نادیور:

به گمان ما «پروین» چه از لحاظ «بافت کلام» و چه از لحاظ «دید شاعرانه» گرایش بیشتری به شیوه کهن دارد تا به شیوه نو، لیکن از آنجا که «مضامین» و «موضوعات» تازه‌ای را - آنهم با لطف و رقت خاص زنانه - در شعر خویش آورده و نخستین زن ایرانی است که معنی واقعی کلمه، شاعر

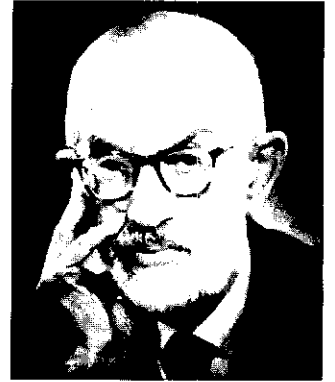


بوده لذا سر سلسله شاعرگان امروز ایرانش باید خواند.

(شعر انگور، ص ۵۵)

سعید نفیسی:

نکته بسیار مهمی که در مطالعه آثار پروین فوراً در ذهن می‌نشیند این است که طبع بسیار بلند توانایی داشته و تقریباً همه جا هر چه می‌خواسته است می‌توانسته است بگوید و وزن و قافیه به هیچ وجه طبع او را محدود نمی‌کرده و مانع از ادای مقصودش نمی‌شده است. روانی که در شعر او هست یکی از مظاهر بسیار برجسته طبع اوست و روی هم رفته اشعار پیچیده، مقلد و گره‌خورده در سراسر سخنان او بسیار کم است و اگر هست بیشتر



را بسیار خوب انتخاب کرده و بهترین وزنی را که ممکن است با الفاظ و مضامین او موافق باشد یافته است.

اگر بخواهیم مضامین او را تجزیه کنیم نخست باید گفت که تقریباً در همه تمثیل‌ها و حکایات خویش از حرص و آز و از هوا و هوس می‌نالد و این دو صفت را بیش از هر صفت نکوهیده دیگر باعث زجر و انزجار خاطر خویش قرار داده است.

روح خاصی که در شعر پروین همه جا لایح و هویداست و شاید زاده محیط زندگی او باشد یک روح تسلیم بلاشرط در برابر حوادث و وقایع جهان مادی و معنوی و شکایت از ناپایداری جهان و در ضمن دلداری یافتن از این ناپایداری و استغناء از بی‌ثباتی کار جهان و بی‌سامانی این سامان است. آن پرخاش نسبت به ناگواری‌ها و آن خشم و کینگی که گاهی دست در سینۀ افلاک و عناصر هم می‌افکند و در آثار بسیاری از شعرای جهان هست مطلقاً در آثار پروین نیست. آیا به واسطه آن است که آنها مرد بوده‌اند و پروین زن بوده است؟ آیا آن پرخاش‌ها لازمه جسارت و آزادی کامل مرد در گفتار و کردار است؟ زنی که تقریباً همه عمر را زیر دست پدر و مادر گذرانده نمی‌توانسته است جز این باشد؟...

قدرت طبع پروین در شرح دقیق و وصف کامل و خرده‌بینی‌ها و باریک‌بینی‌های او چه در اوصاف طبیعت و چه در بیان خصایل و صفات و چه در نمایش احساسات و عواطف از همه جا آشکارتر است. گاهی در کار سوزن، جوشیدن آب، سرشت جانوران مخصوصاً جانوران خانگی مانند گربه که چند بار به سراغ او رفته و ماکیان و طاووس و طوطی، درد دل رفوگر و خارکن و مانند آن، به مراتب بیش از آنچه کسی انتظار دارد و به مراتب بیش از آنچه تصور می‌رود این زمینه دامنه داشته باشد به بیان مطلب پرداخته است.

(یادنامه پروین اعتصامی، ص ۴۸۵ - ۴۹۰ -

برگرفته از دیوان پروین اعتصامی، ص ۴۸ - ۴۹)

محمد ضیاء هشترودی:

پروین اعتصامی با تمام معنی یک شاعره سخندان بوده و از طراز اول شعرای معاصر است. متانت سخن و لطف اسلوب و استحکام بیان یک شخصیت قوی و مقام بلندی در ادبیات ما از برای او تأمین نموده‌اند. این شاعره بزرگ نیز از افتخار تجدد فکری و معنوی که از درهم شکستن محیط محدود افکار پیشینیان به هم می‌پیوندد کاملاً بهره‌مند است. پروین اسلوب سخن‌سرایی استادان قدیم را با افکار نوین تألیف نموده آثار پریمی به منصفه ظهور نهاده است.

اگر یک نظر به کتاب خیرات حسان و مشاهیر النساء و سایر تذکره‌ها بيفکنیم خواهیم دید از طبقه نسوان جز شاعره‌ها عرب کسانی را که به عنوان شاعره یاد می‌کنند جز به هم بافتن چند

در قصاید اوست. در مقطعات او تنها ایرادی که می‌توان گرفت این است که پیداست همین که قافیه‌ای را می‌جسته است کوشش تامی داشته که همه قوافی را بسازد و به همین جهت گاهی یکی دو سه شعر بی‌تناسب در میان مقطعات او هست که پیداست قافیه مساعد نبوده و بی‌جا افتاده و اگر از آن قطعه حذف شود نه تنها خللی به آن نمی‌رساند بلکه قطعه را یکدست‌تر و منسجم‌تر و چکیده‌تر می‌کند. در این مقطعات و مثنویات همه جا اصول مناظره را پیش گرفته و پیداست که از انواع مختلف شعر این نوع را بیشتر می‌پسندیده و به همین جهت باید گفت که کامل‌ترین سرمشق او در مقطعات مناظرات اسدی طوسی و در مثنویات آثار بزرگان شعرای متصوف ایران و مخصوصاً عطار بوده است.

در این تمثیل‌ها و حکایاتی که در مقطعات و مثنویات خود پرورانده نکته فنی بسیار دقیقی هست و آن این است که تقریباً همه جا به یک شعر برمی‌خوریم که انتظار داریم گوینده به همان ختم کند و چیزی بر آن نیفزاید تا اثر کامل سخن او در دل‌ها جای بگیرد و خواننده را کاملاً مؤمن و معتقد کند، اما باز چند بیتی پس از آن آورده و خواسته است نتیجه اخلاقی را که مقصود داشته به بیان صریح‌تر و با الفاظی که کاملاً مودی ادای مقصود باشد تکرار کند. هر چند که من دلیلی روشن و مقرون به قراین خارجی ندارم ولی تقریباً یقین دارم که یا خواسته است کاملاً پیروی از سنت برخی از سخن‌سرایان باستانی ایرانی کند و نتیجه اخلاقی را که منظور او بوده است در پایان قطعه خود بگوید و یا اینکه راهنمایان و مستشارانی که برای خرده‌گیری از اشعار خود برگزیده است به همین اندیشه باطل او را وادار می‌کرده و یا دلالت می‌کرده‌اند که چند شعری بر آنجایی که وی در آغاز گفته خود را ختم کرده است، بیفزاید.

در مثنوی‌های او نکته فنی دقیقی که هست این است که همیشه قافیه را بسیار خوب انتخاب می‌کند و قطعاً بهترین قافیه‌ای را که برای مصرع اول ممکن است در مصرع دوم می‌آورد، به طوری که خواننده اغلب انتظار ندارد که در مصرع دوم قافیه به این خوبی باشد. در مقطعات وی هنر دیگر او این است که همیشه وزن

به عمر کوتاه سی و چند ساله‌اش (اسفند ۱۲۸۵ - فروردین ۱۳۲۰)، چندان اعجاب‌انگیزست که برخی از معاصران را در انتساب این اشعار بدو دچار تردید کرده است و در این زمینه نابجا قلم‌فرسایی کرده‌اند، نظیر انکارها و تهمت‌هایی که در آغاز شاعری نسبت به محمدتقی بهار، ملک‌الشعراء، پدید آمد. زیرا ذهن‌های عادی همه چیز را با معیارهای خود می‌سنجند و آنچه را در قالب‌های متعارف و معمولی ننگند نمی‌توانند بپذیرند، از آن جمله است نبوغ زنی جوان و هنرمند نظیر پروین. [...]

شعر پروین از لحاظ فکر و معنی بسیار پخته و متین است، گویی اندیشه‌گری توانا حاصل تأمل و تفکرات خود را درباره انسان و جنبه‌های گوناگون زندگی و نکات اخلاقی و اجتماعی به قلم آورده است. بی‌گمان او در این باب از سرچشمه افکار پیشینیان نیز بهره‌مند شده است اما نه آن که سخنش رنگ تقلید و تکرار پذیرفته باشد بلکه در اندیشه و طرز بیان از اصالت برخوردار است. عواطف بشردوستی و حمایت از مردم محروم و یتیمان و سالخورده‌گان و ستمدیدگان - که در شعر پروین بصورت واکنش روحی لطیف و مادرانه بروز کرده - از درون جان او جوشیده و سرشار از صمیمیت و صداقت است و رنگ ویژه طبع و ذوق وی را دارد. برخی معاصران، خاصه آشنایان با ادبیات مغرب‌زمین و شعر امروز، وقتی انعکاس کشش‌های جسمانی و تبه‌های عشق و رنگ زنانه آن را در شعر پروین نمی‌یابند در نظرشان نامنتظر می‌نماید، گویی هر زن شاعر ناگزیر باید درون مایه شعرش از این گونه باشد و حال آن که بسیار مردان سخنور نیز بوده‌اند و هستند که در این زمینه‌ها سخن نگفته‌اند. بعلاوه به مقتضیات عصر و محیط پرورش پروین و عفاف و حفاظ آن و منش و خصلت سراینده - که خاص خود اوست - نیز باید توجه داشت.

از نظری دیگر این چنین تأمل در احوال انسان و گل و گیاه و اشیاء و هر چیز که در محیط اطراف و زندگانی روزمره وجود دارد و به دریافتهایی پرمغز و لطیف نایل آمدن و حاصل تخیلات و تفکرات خویش را به زبان شعر با شیوهای هنرمندانه و پرتأثیر بیان کردن از ویژگی‌های شعر پروین است و در شعر فارسی نظیر ندارد. از این حیث در حقیقت او همانند لافوتتن در شعر فارسی است. اشعار پروین در قالب قصیده، قطعه، مثنوی و مسمط است. در این میان آنچه از نوع فابل، حکایت، تمثیل و بخصوص مناظره سروده درخشندگی بارزی دارد. آمارگارت آرنه مدلونگ در «تفسیری» که بصورت مؤخره بر ترجمه انگلیسی گزیده‌ای از اشعار پروین نوشته است، با اشاره به سابقه فابل‌پردازی در آثار منسوب به ازوپ، فیدرس، کلیله و دمنه، کریلوف و جرج اربول، در فابل‌های ازوپ و فیدرس - که هر دو برده به دنیا آمده بودند - و کریلوف و جرج اربول (خاصه در مزرعه حیوانات) زمینه انتقاد از

کلمه مقفی با معنی یا بی‌معنی هنری نداشته و کاملاً از داشتن کمترین مقام ادبی محرومند.

در این صورت از این نکته مهم نباید غافل گردید که از این طبقه تنها کسی که چنین مقام مرتفعی در ادبیات فارسی احراز نموده پروین است و بس.

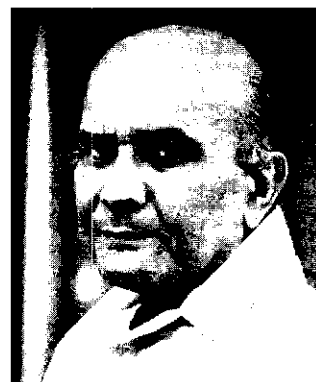
پروین در آثار خویش سیمای یک «اخلاقی» *Moraliste* جهان‌دیده را به خود می‌گیرد این است که ما پروین را در اشعارش به کسوت یک شاعره اجتماعی از درجه اول می‌شناسیم. افکار سالکین بزرگ اجتماعی *Socialistes* در آثار او تأثیر دارد. پروین بر عکس نیما که از هواخواهان مکتب خیال‌پرستی *Idéalisme* می‌باشد، به مسلک «حقیقت‌جویی» *Réalisme* منسلک است. تنها این دو شاعر در فساد اساس‌های عالم اجتماع هم‌عقیده دیده می‌شوند.

(منتخبات آثار، ص ۸۵)

(برگرفته از دیوان پروین اعتصامی، ص ۳۱)

دکتر غلامحسین یوسفی:

در تاریخ ادب فارسی پروین اعتصامی در میان زنان سخنور شاعری یگانه است و پایگاه وی در شعر از بسیاری مردان شاعر نیز والاترست. اشعاری که در چهارده تا شانزده سالگی از او منتشر شده و برخی از آنها از بهترین آثار اوست و دیوان گران قدر وی، با توجه



نکات اخلاقی و اجتماعی و گاه اندیشه‌های حکمت‌آمیزست و احیاناً به درازا نیز می‌کشد و از خلال آن عواطف انسانی، نیروی تخیل و قوت تفکر پروین، مشهود می‌شود.
(چشمه روشن، ص ۴۱۳-۴۱۷)



زورمندان ستم‌پیشه را جسسته و فابل و تمثیل و حکایات عامیانه و لطیفه‌ها و امثال آنها را انواع ادبی مناسب و مستعدی شمرده است برای فرامودن جهانی که می‌توان آن را با گذشته و زمان حال تطبیق کرد و در اعصار آینده نیز مصداق تواند داشت. بعلاوه با توجه به کلیت و اشتغال اندیشه‌ها و معانی در شعر پروین از یک سو، و نکات باریک و اشارات ضمنی که در حکایات و گفتگوها و مناظرات بصورتی پوشیده گنجد است و نیز همدردی او با مردم زحمتکش و محروم، معتقدست که وی با هوشمندی تمام نوع ادبی سنتی و مناسبی را برای بیان افکار خود برگزیده است. محیط بسته فرهنگی و اجتماعی که پروین در آن زیسته و اشعار خود را سروده است نیز این نظر را تقویت می‌کند.

بیشتر فابلها و تمثیلهای پروین حالت مناظره دارد. این شیوه برای طرح معانی در ادب فارسی دارای سابقه‌ای دیرین است: در برخی آثار عنصری، اسدی طوسی، معزی، انوری، نظامی، سعدی، سلمان ساوجی و یا بصورت سؤال و جواب که از نمونه‌های مفصل آن الهی‌نامه عطارسست و «جدال سعدی با مدعی در بیان توانگری و درویشی» در گلستان به نثر. در عین حال که مناظره و سؤال و جواب در ادب فارسی پرسابقه است پروین در اختیار این شیوه استقلال اندیشه خود را نشان داده و چون کیفیت برداشت معانی و طرز طرح آنها و نگارگریها و شرح و تحلیل‌های او با پیشینیان به کلی متفاوت است شعر او ویژگی و اصالتی دارد که از دیگران ممتازست. همان طور که آقای دکتر حشمت مؤید، استاد دانشگاه شیکاگو، در مقدمه محققانه خود با عنوان «شخصیت و شعر پروین» بر کتاب نوحه بلبل نگاشته است پروین در سرودن مناظره از حیث کیفیت و کمیت از همه پیشینیان فراتر رفته است. در دیوان او تقریباً ۶۵ شعر (از ۲۴۸ شعر او) در ۵ تا ۶۳ بیت از نوع فابل، حکایت، تمثیل، در قالب قصیده و قطعه و مثنوی، می‌توان یافت که حالت مناظره دارد. ابداع او در مضمون و انتخاب طرفین مناظره از اشخاص، موجودات جاندار، گل و گیاه و اشیاء بی‌جان یا موضوعات انتزاعی، ورود در عالم هر یک از دو طرف بحث و احساس حالات آنها، قدرت تجسم، سخن گفتن بشیوه‌ای متناسب و هنرمندانه از زبان هر یک، اشارات نکته‌آموز و پرمغز به اقتضای حال و بسیاری ظرایف دیگر این‌گونه اشعار او را بصورت مظاهر درخشان هنر وی درآورده است. این مناظره، چنان که آقای دکتر مؤید درست تشخیص داده و بحث کرده از سه بخش تشکیل شده است: وضع، نقیض و داوری یا نتیجه. معمولاً در بخش نخست یکی از طرفین مناظره از خود سخن می‌گوید، لاف می‌زند، شکایت می‌کند، دیگری را ملامت می‌نماید و...، سپس در قسمت دوم طرف مقابل به طرح جواب و رد آن معنی و بیان راه حل و یا دفاع از خود می‌پردازد. قسمت سوم یا آخرین بخش استنتاج خود شاعرسست که به تناسب مقام شامل